



The Iranian Association of
Medical Law



Institute of Bioethics
and Health Law

A Typology of the Best Interests of Minors in Urgent Medical Circumstances and Legal Remedies for Their Violation

Mojtaba Arjamand Mazidi¹, Mohammad Baqer Amerinia^{1*}, Ali Pourjavaheri¹

1. Department of Private Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In jurisprudential and legal literature, minors, owing to their particular age-related circumstances and limited capacity for autonomous decision-making, are subject to decisions made by their guardians. Such decisions may, in various ways, serve the best interests and welfare of the minor or, conversely, undermine them. This study seeks to examine the different manifestations of the minor's best interests in relation to urgent medical circumstances from both positive and negative perspectives.

Method: This is a descriptive-analytical study based on library and documentary research.

Ethical Considerations: Throughout the preparation and writing of this article, ethical principles and standards, including proper citation and academic integrity, were observed.

Results: Respecting the best interests of the minor and taking their welfare into consideration are of particular importance. Both the Civil Code and the Law on the Protection of Children and Adolescents, enacted in 2020, provide certain forms of legal protection and remedies in cases involving the violation of a minor's best interests. Like any other person, a minor is entitled, in accordance with the principle of self-determination, to challenge both negative and affirmative decisions made by their guardian where such decisions are not in the minor's best interests.

Conclusion: Articles 1184 and 1186 of the Civil Code, having regard to the particular circumstances of minors and the need to protect them while preserving the family unit, provide mechanisms applicable where the paternal guardian fails to take into account the welfare and best interests of the person under guardianship. In such circumstances, recourse to the courts, as well as the imposition of legal sanctions on the guardian or removal of the guardian from guardianship, may be pursued. Accordingly, both the Civil Code and the Law on the Protection of Children and Adolescents provide appropriate legal mechanisms for safeguarding and realizing the best interests of minors and addressing their needs and welfare.

Keywords: Best Interests of the Minor; Medical Emergencies; Guardian's Authority; Liability

Corresponding Author: Mohammad Baqer Amerinia; **Email:** mohamadamerinia@gmail.com

Received: November 22, 2024; **Accepted:** May 06, 2025; **Published Online:** September 19, 2026

Please cite this article as:

Arjamand Mazidi M, Amerinia MB, Pourjavaheri A. A Typology of the Best Interests of Minors in Urgent Medical Circumstances and Legal Remedies for Their Violation. *Medical Law Journal*. 2026; 20: e41.

مجله حقوق پزشکی

دوره بیستم، ۱۴۰۵

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

پژوهشگاه اخلاق زیستی و حقوق سلامت



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

گونه‌شناسی غبطه صغیر بر ضرورت‌های فوری پزشکی و ضمانت اجرای حقوقی نقض آن

مجتبی ارجمند مزیدی^۱، محمدباقر عامری‌نیا^{۱*}، علی پورجواهری^۱

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: صغیر در ادبیات فقهی و حقوقی به دلیل شرایط خاص سنی و عدم اراده کافی تحت تأثیر تصمیمات ولی قرار دارد. هر یکی از این تصمیمات به انحای مختلف می‌تواند در راستای غبطه صغیر یا مصالح زندگی وی یا نقض آن منجر شود. در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا انواع غبطه صغیر در ارتباط با ضرورت‌های فوری پزشکی از حیث ایجابی و سلبی مورد بررسی قرار گیرد. **روش:** مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و ابزار مورد استفاده نیز کتابخانه‌ای و اسنادی است.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین و نگارش مقاله حاضر اصول و معیارهای اخلاقی، از جمله استناددهی و امانتداری رعایت شده است. **یافته‌ها:** رعایت غبطه صغیر و ملاحظه مصالح وی امری مهم است که هم در قوانین مدنی و هم در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ بخشی از حمایت‌های لازم جهت ضمانت اجرای حقوقی نقض غبطه صغیر مطرح شده است. صغیر نیز همانند هر انسان دیگری با عنایت به قواعد تسلط بر نفس، حق دارد تا تصمیمات ولی چه سلبی و چه ایجابی را در شرایطی که به نفع وی نیستند، به چالش بکشد.

نتیجه‌گیری: مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۶ قانون مدنی، با عنایت به شرایط خاص صغیر در جامعه و لزوم حمایت از آنان برای برپا نگه داشتن کانون خانواده چنین توصیه می‌کند، در شرایطی که ولی قهری مصلحت و غبطه مولی علیه را مورد توجه قرار ندهد، حتی مراجعه به دادگاه و مجازات ولی یا عزل وی از سرپرستی نیز قابلیت اجرایی شدن دارد. در این صورت هم قانون مدنی و هم قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ابزارهای مناسبی برای دستیابی و محقق شدن غبطه صغیر و رسیدگی به نیازها و مصالح وی در نظر گرفته می‌شوند.

واژگان کلیدی: غبطه صغیر؛ فوریت‌های پزشکی؛ اختیار ولی؛ مسئولیتنویسنده مسئول: محمدباقر عامری‌نیا؛ پست الکترونیک: mohamadamerinia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۲۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Arjamand Mazidi M, Amerinia MB, Pourjavaheri A. A Typology of the Best Interests of Minors in Urgent Medical Circumstances and Legal Remedies for Their Violation. Medical Law Journal. 2026; 20: e41.

مقدمه

پذیرش مسئولیت فرزندان در هر سن و موقعیتی به معنای نوعی مسئولیت قهری برای والدین است که در ارتباط با کودکان یا صغیر بیش از پیش مد نظر است، حتی سهل‌انگاری و یا نادیده گرفتن حقوق و نیازهای کودک می‌تواند تبعات حقوقی قابل توجهی در پی داشته باشد و پای نهادهای قضایی و بیرون از خانواده را نیز به دعاوی خانوادگی باز نماید. اهمیت این موضوع به دلیل نقش اثرگذار خانواده و حمایت از کودکان در آموزه‌های شرعی است که به جهت قرارگرفتن در سن و شرایط خاص و عدم توانایی در تصمیم‌گیری مناسب، تحت تأثیر تصمیمات و دستورات ولی خود قرار دارند. از دیرباز در متون دینی و فقهی بر نقش، مسئولیت و تکالیف والدین و فرزندان در قبال یکدیگر توصیه‌هایی مطرح شده است، اما این متون هنگامی که بحث نیازها و مصالح کودک به میان می‌آید، بیش از پیش بر وظایف سرپرست کودک و مخصوصاً ولی توجه نشان می‌دهند، زیرا شارع مقدس به دلیل نیازهای خاص صغیر و شرایط سنی و اراده وی، به دنبال تأمین نیازها و یا رعایت مصالح وی هستند. مواردی نظیر شرایط مطلوب یک سرپرست، ولایت قهری و وظایف وی، مصالح و غبطه کودک و همچنین مواردی که نیازمند تصمیمات مناسب یا حتی عدم تصمیم نامناسب در قبال آنان است، اهمیت خاصی دارند. مصلحت و غبطه، اگرچه به طور کامل یک معنا ندارند، اما اصطلاحاتی مؤثر در فقه و حقوق اسلامی هستند که مباحث دامن‌داری در ارتباط با نیازها و مصالح صغیر مطرح کرده‌اند و بر مبنای همین موارد، تشریع و قانون‌گذاری نیز حول آنان شکل گرفته است. نظام ولایت و سرپرستی صغیر از این جهت به دنبال آن است تا بتواند از تضییع حقوق و نیازهای کودکان جلوگیری به عمل آورد و شرایط مناسبی از حیث تعامل با ولی برای آنان ایجاد نماید.

این وضعیت هنگامی که در ارتباط با ضرورت‌های فوری پزشکی مطرح می‌شود، نیازمند ملاحظات دقیق‌تری است. به این دلیل که بحث سلامت و درمان یکی از نیازهای بدیهی و حساس‌برانگیز در صغیره است که غفلت از آن یا تحمیل یک

عمل جراحی خاص بدون در نظرگرفتن غبطه کودک می‌تواند به مرگ یا کسالت دائمی وی منجر شود. بر همین اساس، مباحث فقهی و حقوقی حول توجه به غبطه صغیر بر مبنای نیازهای ضروری و فوری پزشکی مورد توجه قرار گرفته است. نیازهای یادشده از جهات سلبی و ایجابی حائز اهمیت هستند؛ سلبی از آن جهت که تصمیمات ولی در قبال صغیره نباید به نحوی باشد که باعث جلوگیری از مراجعه وی به پزشک برای انجام یک نیاز فوری پزشکی باشد. ایجابی نیز اینکه ولی (مولی علیه) نباید تصمیمی برخلاف مصالح وی اتخاذ نماید که سلامتی کودک را به مخاطره بیندازد. با در نظرداشتن این موارد، گونه‌های مختلفی برای نقش ولی در مراقبت از کودک وجود دارد که طیفی از اجبار یا رضایت کودک به انجام عمل فوری پزشکی، نیاز کودک و لزوم اذن ولی، اجبار ولی بدون اذن کودک و... مطرح شده که از نظر حقوقی، اقدام به هر یک از اعمال فوق، پیامدهایی در پی خواهد داشت. از این جهت توجه به هر دو جنبه از غبطه صغیر به معنای اهمیت جلوگیری از تضییع حق صغیر یا اهمال و سستی در رسیدگی به نیازهای اصلی وی، یعنی حق بر سلامت است، در صورتی که بتوان با مراجعه به منابع فقهی و حقوقی، ضمانت اجرای حقوقی نقض این حق را نشان داد، رویکرد نوینی برای سوءاستفاده‌نکردن از حق صغیر در بحث ضرورت‌های فوری پزشکی ارائه می‌شود که محور اصلی پژوهش حاضر است. در نهایت اینکه پرسش محوری مقاله این است: ابعاد غبطه صغیر در ضرورت‌های فوری پزشکی شامل چیست؟ برای نشان‌دادن گونه‌های غبطه صغیر، توجه به اذن ولی و عدم اذن وی در ضرورت‌های فوری پزشکی اهمیت دارد که بدان پرداخته می‌شود.

روش

روش مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۶ ق.م، در شرایطی که ولی قهری مصلحت و غبطه مولی علیه را مورد توجه قرار ندهد، مراجعه به دادگاه جهت رسیدگی به تخلفات وی در قبال صغیر را لحاظ نموده است، هرچند عمده تأکید ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی ناظر بر اموال و دارایی صغیر است، اما با توجه به قاعده حق بر خویشتن در منابع فقهی و اهمیت به رسمیت‌شناختن دارایی جسمی برای هر فرد، صغیر نیز به دلیل شرایط خاصی که دارد، نباید مورد سوءاستفاده ولی قرار گیرد. بنابراین هم عدم اذن ولی برای مراجعه مولی علیه نزد پزشک و هم وادارنمودن وی به انجام یک عمل یا جراحی پزشکی که خلاف مصالح وی است، مشمول همین رویه قضایی خواهند بود، ضمن اینکه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز در بندهای مربوط به حمایت از صغیر به همین بحث حق بر سلامت و اذن ولی اشاره کرده و درصدد حمایت از کودک در چنین شرایط خاصی برآمدند.

بحث

جهت پرداختن به غبطه صغیر در ضرورت‌های فوری پزشکی و راهکارهای حقوقی نقض آن که ناظر بر عدم رعایت مصالح صغیر توسط ولی است، نیازمند پرداختن به وظایف و مسئولیت ولی در حوزه ایجابی و سلبی مرتبط با نیازهای سلامت صغیر هستیم که در مباحث پیش رو بدان پرداخته خواهد شد.

۱. چهارچوب مفهومی: پرداختن به بحث مهم غبطه صغیر نیازمند در نظرگرفتن حقوق صغیر، میزان اختیارات ولی، مصالح و نیازهای کودک و نیازهایی است که وی به دلایل پزشکی برای وی پدید می‌آید. در مباحث پیش رو به ابعاد این

موضوع و پس از آن به غبطه صغیر در فوریت‌های پزشکی پرداخته خواهد شد.

۱-۱. ضرورت‌ها و فوریت‌های پزشکی: ضرور و فوریت در اعمال پزشکی ناظر بر انجام برخی امور پزشکی است که در زمان فوری نیازمند رسیدگی هستند، یعنی اینکه فرد به دلایل اضطراری نظیر تصادف، حمله قلبی، مشکلات گوارشی و... نیازمند عمل فوری است و یا پیش‌بینی می‌شود برای جلوگیری از سرایت یا گسترش بیماری نیازمند اقدام فوری پزشکی است. به عبارت دیگر، انجام چنین مواردی از نظر پزشکی امری ضروری است که در حیطه سلامت جسمی کودک، حیاتی بوده و شناخت نسبت به آنان و اقدام برای حل آنان نیز نیازمند ارائه این نوع خدمات است (۱). از این منظر سلامت فرد ایجاب می‌کند که مراقبت و اقدام فوری پزشکی برای کنترل بیماری انجام شود، اما وجه تمایز صغیر با بزرگسالان در این است که انجام فوریت و ضرورت پزشکی نیازمند تصمیم‌والدین وی است که تبعات حقوقی خاصی نیز به دنبال دارد.

۱-۲. مفهوم رعایت و عدم رعایت غبطه در عرف پزشکی: غبطه در لغت به معنای حسن حال، سرور و نعمت، آرزومند نعمتی برای خود آمده است (۲). در ادبیات فقهی، غالباً مترادف مصلحت نیز آمده است، هرچند برخی میان منفعت، مصلحت و غبطه نیز تفاوت قائل می‌شوند (۳). در اصطلاح نیز غبطه به معنای چیزی است که مولی علیه از ولی طلب می‌کند تا به او بدهند و هم‌سو با مصالح و نیازهای وی باشد، ضمن اینکه غبطه در عمل نباید باعث آسیب‌رساندن به مولی علیه شود، هرچند باید مصالح و نیازهای دنیوی و اخروی وی را نیز مد نظر قرار دهد. رعایت غبطه در واقع ناظر بر رعایت مصالح کودک است که ولی کودک عملی نکند که باعث ضرررسانیدن به وی شود. در این رویه، ولی نباید رعایت مصلحت خود را نماید، بلکه باید در راستای حقیقت و نیاز مولی علیه اقدام لازم را انجام دهد.

۱-۳. صغیر در فقه و حقوق اسلامی: بر مبنای نگرش فقهی صغیر به فرد کم سن و سال اطلاق شده که معادل کودکی و

دوران ماقبل از بلوغ است و به انسان کم سنی را توصیف می‌نماید که هنوز بزرگ و بالغ نشده است. واژه بچه (اگر به معنای فرزند نباشد) بیشتر همین معنا را به ذهن متبادر می‌سازد. واژه شیرخوار، معنایی خاص‌تر دارد و صرفاً به دوره شیرخوارگی کودک گفته می‌شود. نوزاد نیز به دوره شیرخوارگی و اندکی پس از آن اطلاق می‌شود (۴). با این حال کودکی از نظر سنی به محدوده‌ای گفته می‌شود که از تولد تا دوران بلوغ را دربرمی‌گیرد و در ادبیات فقهی و حقوقی بر آن صغیر نیز اطلاق می‌شود که در واقع در برابر کبیر معنا پیدا می‌کند.

۲. الزامات قانونی اخذ اجازه ولی در اعمال پزشکی مهم:

نیازهای کودک، نظیر هر انسان دیگر متعدد هستند و در حوزه نیازهای زیستی و جسمانی می‌توان به غذا، خواب و استراحت، پوشاک، شادی و فعالیت، بهداشت فردی، داشتن مسکن، تجربه و مهارت اشاره کرد (۵). با در نظر داشتن این نیازها، قانون‌گذار نیز در موارد متعددی بر نقش ولی در انجام امور صغیر توجه نشان داده است که اعمال پزشکی مهم نیز بخشی از آنان محسوب می‌شوند. قانون‌گذار در مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ از قانون مدنی، ولایت ولی را مطرح نموده است که در انجام اعمال پزشکی صغیر نیز حاکم است. الزامات قانونی برای ملاحظه غبطه صغیر در حقیقت، توجه به غبطه و رعایت مصالح و نیازهای صغیر است که در انجام برخی امور ناتوان است (۶). در همین زمینه نیز قانون‌گذار در مواد متعددی به الزامات قانونی ولی در اداره امور صغیر اشاره نموده که بیشتر در قالب حق و تکلیف مطرح شده است. در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی چنین آمده است: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است» یا در مواد ۱۱۷۲ و ۱۱۷۱ نیز به نحوی به همین مباحث اشاره کرده است. به طور مثال ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی چنین آورده شد: «هیچ یک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آن‌هاست، از نگهداری او امتناع کنند، در صورت امتناع یکی از ابوین، حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم، یکی از اقربا یا به تقاضای مدعی‌العموم، نگهداری طفل را به هر یک از ابوین که حضانت

به عهده اوست، الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد، حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد، به خرج مادر تأمین کند» یا اینکه ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی به صراحت از رعایت غبطه صغیر سخن به میان آورده است. متن ماده ۱۱۸۴ بدین‌گونه است: «هرگاه ولی قهری طفل، رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد، به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست ربییس حوزه قضایی، پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل، فرد صالحی را به نوان قیم تعیین می‌نماید. همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی‌علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید، طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می‌گردد.»

۳. فرض‌های مختلف اقدام ولی: گفته شد که کودک هم معنا با صغیر است که این تعبیر در نزد برخی از فقها به چشم می‌خورد، مثلاً در باب تبعیت طفل از والدین در حکم اسلام، در کلمات بعضی از فقیهان آمده است: «حکم طفلی که به سن بلوغ نرسیده، مطلقاً (پسر باشد و یا دختر) از جهت مسلمان یا کافر بودن، حکم والدین اوست و در احکامی مثل طهارت و نجاست، از آن‌ها تبعیت می‌نماید (۷). به دلیل همین خصوصیت تبعیت‌پذیری، اقدامات ولی یا سرپرست صغیر نقش مهمی در حمایت از سلامت یا عدم حمایت از وی دارند. این موضوع درباره انجام برخی ضرورت‌های پزشکی و مواردی که فوری هستند، قابل توجه است، بدین‌معنا که گاهی ولی از دادن اذن خودداری می‌نماید، اما در مواردی که می‌داند ضرورتی به انجام عمل پزشکی نیست، اقدام به چنین کاری می‌کند و اذن می‌دهد.

۳-۱. خودداری ولی از دادن اذن: درباره خصوصیات کودک یا صغیر باید گفت که کودکان در سنین اولیه، اراده چندانی برای تصمیم‌گیری ندارند و اغلب تصمیمات آنان تابع تصمیم ولی و یا والدین است. از این رو نمی‌توان درباره آنان از اراده آزاد سخن گفت (۸). این عدم اراده آزاد درباره افراد صغیر به

منزله آن است که بخش قابل توجهی از تصمیمات آنان وابسته به ولی است که در امور پزشکی و انجام برخی جراحی‌ها و... وابسته به تصمیم ولی است که در قانون نیز به صورت کلی به آن اشاره شده است. با در نظر داشتن این مباحث باید گفت که در مواردی لازم است تا کودک برای رهایی از درد ناشی از بیماری یا انجام یک عمل خاص، اقدام به انجام عمل جراحی نماید و غبطه صغیر در دادن اذن از سوی ولی است، اما وی از دادن اذن خودداری می‌کند. حسب مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۶ ق.م، در شرایطی که ولی قهری مصلحت و غبطه مولی علیه را مورد توجه قرار ندهد و نسبت به اموال و داری وی اقداماتی را انجام دهد که باعث ضرر به مولی علیه شود یا به وی خیانت نماید، دادگاه می‌تواند ولی را از سمت ولایت عزل و از مداخله در اموال وی منع نماید (۹). این رویه درباره مداخله ولی در ارتباط با ضرورت‌های فوری پزشکی از سوی ولی برای کودک نیز حاکم است، یعنی اگر ولی نتواند باعث کاستن از درد و رنج کودک شود یا اقدامات ولی باعث ایجاد ضرر به مولی علیه شود، در این صورت خودداری از دادن اذن به معنای نادیده گرفتن مصالح کودک است که می‌تواند جان وی را به خطر بیندازد.

مستند به ادله قانونی مسئولیت ولی که در قانون مدنی نیز مد نظر بوده است، یکی از معیارهای غبطه کودک، نگهداری و مراقبت از وی است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۱۳۷۴ در تاریخ ۱۳۶۱/۰۴/۰۱ چنین بیان کرده است که حضانت و نگهداری کودکان و اطفال، برای والدین، حق و تکلیف محسوب شده و قابل اسقاط یا مصالحه نیست، به این دلیل حقوقی که قانون‌گذار و شارع برای وی در نظر گرفته است، جنبه امری دارند (۱۰). بنابراین در شرایطی که کودک نیازمند انجام عمل یا انجام هر عمل پزشکی برای حفظ سلامتی و مراقبت از جسم خود است و ولی از اذن دادن خودداری می‌کند، مصداق نادیده گرفتن غبطه وی است که از نظر قانونی و شرعی نیز بازخواست می‌شود، بدین معنا که اگر والدین در درمان و مراقبت سلامت کودک، اغماض و یا کوتاهی نموده و از انجام اقدامات درمانی مناسب برای وی جلوگیری به عمل آورند و باعث بروز خسارت جسمی و روحی

به کودک شوند، با استناد به ماده اول قانون مسئولیت مدنی می‌توان سرپرست را در برابر طفل آسیب، مسئول جبران خسارت تلقی نمود (۱۱)، زیرا نیازهای صغیر به دلیل قرار داشتن در شرایط سنی و عدم اراده کافی برای تصمیم‌گیری در امور شخصی و وابسته بودن به ولی، باعث شده تا در رویکردهای فقهی و با استناد به احادیث، این نیازها به صورت دقیق بیان شوند که حق بر سلامت و مراقبت از صغیر بسیار مهم تلقی شده است. در همین راستا، خودداری ولی از جهت توجه به نیاز صغیر در ضرورت‌های فوری پزشکی در تضاد با آموزه‌های شرعی نیز می‌باشد. امام رضا (ع) در حدیثی از حضرت رسول (ص) نقل می‌کنند که ایشان فرمودند: کودکان خود را از آلودگی ناشی از چربی بشوید و پاکیزه کنید، زیرا شیطان، بوی چربی را استشمام می‌کند و در خواب، کودک را به وحشت می‌اندازد و فرشتگان موکل او، آزار می‌بینند» (۱۲). بدیهی است دینی که تا این اندازه برای حفظ سلامتی و مراقبت از کودک، توجه نشان می‌دهد، در مواردی که جان کودک به خطر افتاده باشد و نیازمند یک عمل جراحی و انجام ضرورت پزشکی فوری باشد، درنگ نمی‌کند.

علاوه بر این، خودداری ولی از انجام عمل ضروری پزشکی برای کودک به معنای نادیده گرفتن مصالح و نیازهای کودک است که بر مبنای اصل احتیاط، عقل ایجاب می‌کند که در تصمیم‌گیری مرتبط با سلامت کودک، احتمال وقوع خطرات و مواجهه با بیماری‌ها و امراض نیز مد نظر باشد (۱۰). این در شرایطی است که اگر کودک نیازمند عمل و جراحی فوری به تشخیص پزشک یا عرف پزشکی باشد، اما ولی اجازه چنین عملی را ندهد، ناقض حق کودک بوده و مصلحت کودک لحاظ نشده است، اما به طور مشخص در ارتباط با ضرورت‌های فوری پزشکی و نیاز به اذن ولی یا حتی هم‌سویی وی با پزشک متخلف که می‌تواند منجر به آسیب‌رساندن به صغیر شود، می‌توان به بند «ذ» از قانون اخیر استناد کرد. در این بند چنین آمده است: «خطر شدید و قریب‌الوقوع: وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت

تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به نحوی که مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاب نماید.»

۳-۲. همراهی ولی با پزشک متخلف: نگهداری و مراقبت از طفل، از جمله امور مهمی است که در مواردی نظیر سلامت جسمی و انجام تعهدات بر عهده والدین گذاشته است. به همین دلیل است که در زمینه سپردن حضانت به پدر یا مادر همواره باید مصلحت و غبطه طفل را در نظر گرفت (۱۳). غبطه طفل یا صغیر در این‌باره تنها ناظر بر آماده‌کردن شرایط برای سلامت وی نیست، بلکه به نحوی سلبی نیز مد نظر است، یعنی اینکه باید از اذن به مواردی که باعث نادیده‌گرفتن غبطه صغیر می‌شود، خودداری شود. به عبارت دیگر، در برخی امور، از جمله در ضرورت‌های فوری پزشکی، اصل بر غبطه صغیر در عدم اذن ولی بوده، اما ولی اذن داده است.

در این موارد که نیازی به انجام عمل فوری پزشکی نیست، اما ولی به همراه پزشک، اقدام به انجام چنین عملی می‌نماید، در این صورت بر مبنای قاعده فقهی احترام به اموال (حتی بدن)، خلاف مصلحت وی عمل نموده است، زیرا در این‌باره و بر مبنای تصرفات ولی، تصرفی که مد نظر شارع و قانون‌گذار است، باید در راستای مصالح و نیازهای کودک باشد، یعنی مجاز و با در نظر داشتن غبطه محجور صورت گیرد (۹). در غیر این صورت هم بر مبنای قاعده احترام به اموال مسلمانان و هم بر مبنای قاعده لاضرر، چنین عملی صحیح نبوده و ولی در قبال مولی علیه تخلف نموده و ملزم به جبران خسارت است، زیرا شخص متجاوز، ضامن و مسئول اعمال و اقدامات خویش است (۱۴). بنابراین عنصر بنیادین در زمینه اعمال شدن حقوق و حمایت از کودک توسط اولیای قانونی وی، در نظر گرفتن مصلحت و غبطه کودک است که در این شرایط، هم شارع مقدس و هم قوانین بر حمایت از حقوق کودکان توجه نشان داده‌اند که حق بر سلامت و بهره‌مندی از خدمات پزشکی در شرایط لازم بسیار مورد توجه بوده و اهمیت دارد.

بحث دیگری که درباره وارد کردن صدمه و خسارت به کودک مطرح است و می‌تواند در زمینه همراهی ولی با پزشک متخلف قابل طرح باشد، حق بر نفس یا حق بر خویشتن است که در

دین اسلام و متعاقب آن در قوانین داخلی مد نظر قرار گرفته است. از نظر فقهی، انسان از نظر عقلایی بر نفس خود ولایت دارد و اختیار آموزش به دست اوست و قاعده (الناس مسلطون علی انفسهم) قاعده‌ای عقلایی بوده که ناظر بر همین موضوع است (۱۵). در همین ارتباط نیز امام خمینی (ره) با اشاره به بحث حق انسان بر جسم و اختیار در نحوه بهره‌گیری متعادل از آن، چنین مطرح کردند: «سلطنت انسان بر بدن خویش موضوعی عقلانی است. همان‌طور که انسان بر اموال خود از نظر عقلایی سلطه دارد، بر بدن خویش نیز سلطه دارد و وجود چنین سلطنتی برای انسان این حق را ایجاد می‌کند تا هرگونه تصرفی را که بخواهد در اعضای بدنش انجام دهد (۱۶). با پذیرش این موضوع که سلطنت انسان بر بدن خویش امری پذیرفته شده است، به همین نحو نیز کودکان از این حق برخوردار هستند تا در موارد لازم نسبت به انجام فوریت‌های پزشکی به دلیل ضرورت نیز بهره ببرند یا در مواردی که غبطه وی ایجاب می‌کند، از انجام جراحی و اعمال پزشکی غیر ضرور خودداری نماید.

ضمانت اجرای نقض این حق و غبطه صغیر، «سلب ولایت» است. حسب ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی، در شرایطی که خیانت و عدم صلاحیت ولی قهری برای نگهداری و اداره اموال مولی علیه به اثبات برسد، دادگاه با تقاضای یکی از اقارب یا به درخواست رییس حوزه قضایی، ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره اموال مالی طفل، فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید (۱۷). از منظر ماده ۹۶ قانون امور حسبی و مسئولیت مدنی ولی در قبال مولی علیه، به علت قصور در نگهداری و مراقبت مسئول شناخته می‌شود. از این منظر، در صورت قصور، ولی در قبال مولی علیه مسئولیت خواهد داشت (۱۱). این مسئولیت در واقع به معنای در نظر گرفتن غبطه صغیر از منظر عرف پزشکی و قوانین داخلی است که در صورت نادیده‌گرفتن، تبعاتی برای ولی در پی خواهد داشت که در مواد ۱۱۸۴ و ماده ۹۶ قانون مدنی به آن‌ها اشاره شده است. همچنین ضمانت اجرایی دیگری که در قوانین داخلی دیده می‌شود، در ماده ۴۵ قانون حمایت از خانواده قابل مشاهده است. مطابق این ماده: «رعایت غبطه و

مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است.»

علاوه بر این، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ به شکل تخصصی به این بحث پرداخته است، از جمله در موارد زیر: «پ - بی‌توجهی و سهل‌انگاری: کوتاهی در انجام تکالیفی، از قبیل تأمین نیازهای اساسی و ضروری طفل و نوجوان یا وظایف مربوط به حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت، سرپرستی، تربیت، نظارت یا مراقبت از آنان توسط والدین، اولیا یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که مکلف به آن است؛ ت - سوءرفتار: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد، از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیر متعارف و یا خودداری از کمک به وی (قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹). بر مبنای همین بند از قانون یادشده، هر نوع فعل و ترک عمدی که سلامت جسمی و روانی صغیر را دربر گیرد، مشمول نقض غبطه صغیر شناخته شده و نیازمند رسیدگی از سوی مراجع قضایی است.

۳-۳. اقدام ولی به اذن یا اجبار در موارد عدم نیاز: در این‌باره میان کودکان و بزرگسالان مشابهت‌یابی وجود دارد، زیرا کسانی که موظف به حضانت از فرزند هستند، باید جسم و روان وی را از خطرات و تهدیدات مصون نگه دارند (۱۱). در صورتی که خسارتی به کودک وارد شود، مسئولیت مدنی، والدین را به عنوان کسی که باید جبران خسارت نمایند، می‌شناسد (۱۸). از این منظر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی بیان کرده است: «کسی که نگهداری و مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد بر عهده او است، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان واردشده از ناحیه مجنون یا صغیر است...». خسارت حتی می‌تواند جنبه مادی یا معنوی داشته باشد (۱۹). بر این اساس، اقدام ولی به اذن یا اجبار به عنوان یکی از گونه‌های غبطه صغیر، در صورتی

که منجر به صدمه به کودک شود، والدین به عنوان مسئول، باید پاسخگو باشند، یعنی با استناد به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، می‌توان فرد حضانت‌کننده را مسئول جبران تمامی خسارات تلقی نمود، زیرا در هر صورت، قانون، والدین را مسئول می‌داند (۲۰). همان‌طور که گفته شد، ولی نباید از حق و سلطنت کودک بر نفس خویش (در اینجا جسم و بدن صغیر) غفلت ورزد، زیرا حق طبیعی وی است تا بدن خویش را محافظت نماید و از موارد پزشکی غیر ضروری دور نگه داشته شود.

۴. نگاهی به رویه‌های قضایی: غبطه کودک در حوزه نیازها و مراقبت پزشکی یا اذن ولی برای انجام عملی ضروری، به معنای در نظرگرفتن مصالح متعارف کودک در عرف پزشکی است. این بدین‌معناست که مطابق قواعد عقلی و نیازهای متعارف کودک، کسی (در اینجا ولی) وقتی که به نمایندگی دیگری کاری را انجام می‌دهد، باید در حدود متعارف انجام دهد و متعارف در اینجا به معنای رعایت غبطه و مصلحت اوست (۲۱). این رویکرد شرعی در قوانین داخلی نیز قابل مشاهده است، در این‌باره رعایت مصلحت و غبطه صغیر را می‌توان با بررسی مواد ۱۱۸۲ تا ۱۱۸۷ قانون مدنی و همچنین مواد ۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۳ قانون امور حسبی مشاهده نمود (۲۲)، یعنی اینکه در مواد یادشده بر حقوق صغیر و رعایت مصالح وی و تکالیفی که ولی بر عهده دارد، اشاره شده است. همچنان که ناتوانی، خیانت و بلاتکلیفی نیز از دیگر نشانه‌های ولی است که از انجام خدمات و نیازهای طفل عاجز است و نیازمند رسیدگی از سوی مراجع قضایی است که در ماده ۱۱۸۵ ق.م. نیز به همین موضوع اشاره شده: هرگاه ولی قهری طفل محجور شود، مدعی‌العموم مکلف است مطابق مقررات راجع به تعیین قیم، فردی برای طفل معین کند.

علاوه بر این بر مبنای رویکرد قانون‌گذار برای مقابله با نقض غبطه صغیر، از منظر پزشکی قانونی نیز می‌توان برای بررسی این موضوع استفاده نمود، زیرا تداوم این رویه به معنای جرم بوده و نیازمند رسیدگی قضایی است. قانون‌گذار برای جلوگیری از تضییع حقوق کودک در صدمات وارده ناشی از

تضییع حق صغیر در قصور پزشکی یا تحمیل ولی برای انجام فوریت‌های پزشکی یا ممانعت از انجام یک عمل خاص، نقش نهادهای تخصصی را نیز برجسته کرده است. بنابراین در فرایند کشف جرم، از جمله نقض غبطه صغیر در مواردی نظیر نیاز به انجام برخی ضرورت‌های فوری پزشکی که با مخالفت ولی همراه است یا حالت عکس آن که صغیر وادار به انجام چنین عملی می‌شود، نقش پزشکی قانونی در صورتی که همراه با آزار و اذیت جسمی و یا صدمه به صغیر باشد، قابل توجه بوده، بر عهده پزشکی قانونی است که به عنوان یک از مراجع تخصصی و صلاحیت‌دار وارد عمل شود. بر همین اساس، نوع نگرش قانون‌گذار، مبنای قرار دادن پزشکان قانونی هم به عنوان پزشک قانونی و هم به عنوان کارشناس است. آنجایی که با توجه به مواد ۱۳۰ و ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از حضور کارشناس برای حضور در صحنه جرم و معاینات لازم نام برده شده است. همچنین در ماده ۲۰۲۰ قانون یادشده، جهت تشخیص سلامت روان، بر نظر گروه پزشکی قانونی تأکید دارد یا اینکه برای برخی دیگر از امور، مواد ۵۶۵، ۵۸۰ و ۶۷۱ مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در زمره کارشناسان مورد توجه است. بنابراین استفاده از پزشکان قانونی و حضور آنان در فرایند دادرسی کیفری با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از مرحله کشف جرم تا اجرای آن حکم قابل استناد است که نشان‌دهنده اهمیت اظهار نظر کارشناسی، فنی و تخصصی با هدف محقق کردن عدالت و بی‌طرفی است (۲۳). بنابراین در موارد مهمی، از جمله عدم مراقبت از سلامت صغیره هم از حیث سلبی (عدم اذن ولی) و هم از حیث ایجابی (وادار کردن به عمل فوری با همراهی پزشک متخلف) و یا وقوع مصادیق آن، نیازمند تخصص و اظهار نظر پزشک متخصص به عنوان یگانه مرجع برای تشخیص موضوع و کمک به فرایند صدور حکم در مراحل دادرسی است. از آنجایی که در دین مبین اسلام عمل نمودن به یک حکم شرعی (جواز، وجوب و حرمت) منوط به وجود سلامت یا بیماری است، این پزشک است که با تشخیص او حکم شرعی تغییر می‌کند (۲۴). با عطف به دیدگاه و نظر تخصصی پزشکی قانونی در فرایند دادرسی و

جمع‌آوری اطلاعات در ارتباط با نشان‌دادن نقش ولی یا پزشک متخلف، این قاضی است که نظر نهایی را اعلام می‌کند، اما برای کشف حقیقت، نظر پزشکی قانونی بسیار اهمیت دارد (۲۵). به این دلیل که جمع‌آوری اطلاعات مربوط به نقض غبطه صغیر در موارد پزشکی، میزان و نوع آن و تشخیص صدمات و خساراتی که بر کودک وارد شده است، امری تخصصی و نیازمند در نظر گرفتن جوانب مختلف نقض غبطه صغیر است و قبل از اظهار نظر قضات نیازمند مداخله یک مرجع تخصصی است. با توجه به تخصصی شدن امور از یک طرف و لزوم رعایت اصل عدالت و دقت در رسیدگی به غبطه صغیر و جلوگیری از موارد مشابه نیازمند تعامل و هم‌سویی نهادهای قضایی و پزشکی قانونی است تا بتوان در راستای قوانین نسبت به رعایت حقوق صغیر اقدامات لازم را انجام داد. از منظر رویه قضایی نیز شواهد موجود نشان‌دهنده آن است که در یکی از آرا که توسط شعبه ۱۹ دادگاه عمومی شهر ری در کلاس پرونده ۶۵۹/۱۹/۸۰ مورخ ۱۳۸۱/۰۴/۳۱ صادر شده است، دادگاه، عامل سلامت جسمانی کودک را ملاک مهمی جهت سنجش و تعیین مصلحت وی در نظر گرفته است. در بخشی از این رأی، به نظر دادگاه دو علت اصلی سنجش صحت کودک، یعنی سلامت جسمانی فرزند و سلامت اخلاقی وی می‌بایست در تصمیم‌گیری در قبال حضانت کودک در نظر گرفته شود. بنابراین با در نظر داشتن اهمیت مواد قانونی، از جمله در قانون مدنی و یا قانون حمایت از خانواده و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، یک مجموعه از حمایت برای محقق شدن غبطه صغیر و جلوگیری از تضییع حق وی یا نادیده گرفتن مصالح و نیازهایش در ضرورت‌های فوری پزشکی به چشم می‌خورد که اگر به صورت تخصصی بدان‌ها نگریسته شود، می‌تواند مانع سوءاستفاده از حقوق صغیر شده و ضمانت اجرایی مناسبی جهت حق بر سلامت صغیر فراهم نمایند.

نتیجه‌گیری

رعایت غبطه صغیر در راستای توجه خاصی است که فقه و حقوق اسلامی به حقوق کودکان در نظر گرفته است. بر مبنای آنچه بررسی حاضر نشان داده، اذن و عدم اذن ولی در شرایطی که نیازها و مصلحت صغیر را لحاظ نکند، نقض حق وی محسوب شده و ولی در قبال مولی علیه، مسئولیت خواهد داشت. این مسئولیت تا جایی است که حتی دادگاه می‌تواند با مراجعه به نهادهای تخصصی نظیر پزشکی قانونی، مواردی که به اذن پدر باعث خودداری از انجام یک اقدام ضروری پزشکی شده را به عنوان اهمال یا سوءاستفاده از حق صغیر پیگیری نماید. همین رویکرد درباره مواردی که صغیر به اجبار وارد یک عمل پزشکی می‌شود، جاری است، یعنی حتی قوانین این رویه قضایی را مجاز دانسته‌اند تا ولی و پزشک متخلف نیز در قبال تخلفی که بر علیه غبطه صغیر مرتکب شدند، پاسخگو شوند. از نظر مواد قانونی و توجهی که در راستای حمایت از غبطه صغیر صورت گرفته است، هم در قوانین مدنی و هم در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ بخشی از حمایت‌های لازم جهت ضمانت اجرای حقوقی نقض غبطه صغیر مطرح شده است. استدلالی که در فقه امامیه مطرح شده، مبنی بر اینکه صغیر نیز همانند هر انسان دیگری با عنایت به قواعد تسلط بر نفس، حق دارد تا تصمیمات ولی چه سلبی و چه ایجابی را در شرایطی که به نفع وی نیستند، به چالش بکشد، در موضوعاتی نظیر ضرورت‌های فوری پزشکی عینیت پیدا می‌کنند. بنابراین در صورت اثبات، اذن و عدم اذن ولی نسبت به مولی علیه می‌تواند مصداقی از نادیده گرفتن حق بر نفس صغیر تلقی شده که نیازمند رسیدگی قضایی است، بدین معنا که اذن یا عدم اذن ولی در مواردی که سلامت صغیر را به خطر می‌اندازند، مصداق تخلف و جرم بوده و دادگاه مطابق آنچه برای نوع و میزان خسارت وارد به صغیر وارد می‌شود، می‌تواند اقدامات لازم را انجام دهد. به طور مشخص، مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۶ قانون مدنی، با عنایت به شرایط خاص صغیر در جامعه و نظام خانواده و لزوم حمایت از وی، مواردی را بیان کردند، از جمله اینکه مجازات ولی یا عزل وی از

سرپرستی نیز قابلیت اجرایی شدن داشته باشد یا با توجه به نوع و میزان خسارت وارده، ولی و پزشک متخلف شناسایی و برابر مقررات با آنان برخورد شود. در این صورت هم قانون مدنی و هم قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ابزارهای مناسبی برای دستیابی و محقق‌شدن غبطه صغیر و رسیدگی به نیازها و مصالح وی در نظر گرفته می‌شوند، ضمن اینکه به دلیل رعایت عدالت و جلوگیری از تضییع حق صغیر و محقق‌شدن غبطه صغیر، در نظرگرفتن نقش نهادهایی، نظیر پزشکی قانونی که در مقررات داخلی به آن اشاره شده است، از اهمیت خاصی برخوردار بوده که انتظار می‌رود در یک مجموعه متعامل بتوانند ضمانت اجرایی نقض غبطه صغیر را فراهم سازند.

مشارکت نویسندگان

مجتبی ارجمند مزیدی: جمع‌آوری و سازماندهی مطالب مقاله. محمدباقر عامری‌نیا: نظارت بر محتوای مطالب مقاله. علی پورجواهری: ارسال مقاله به مجله و نظارت بر متن نهایی. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

مقاله حاضر حاصل تلاش نویسندگان بوده و از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Rostamoli S, Dezvarii N, Kohnoord M, Sayarifard A, Kadivar M, Mardani M, Asadabadi M. Examining the Necessity of Palliative Care in Children from the Perspective of Nurses and Doctors Caring for Children. *Care Quarterly Cancer*. 2023; 2(2): 35-45. [Persian]
2. Ibn Manzoor M. Arabic Language. Beirut: Dar al-Fekr; 1986. p.358. [Arabic]
3. Askari AH. Al-Farooq Al-Laghuyeh. Qom: Basirati Publications; 2024. p.172. [Arabic]
4. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. Tehran: Tehran University Press; 1981. p.399. [Persian]
5. Sharifi MH, Rafiei-Moghadam A, Jafari MH. The Necessity of Respecting the Child's Jealousy and Expediency during Guardianship from the Point of View of Jurisprudence and Statutory Law. *Journal of Medical Law*. 2022; Special Issue of Legal Innovation: 289-304. [Persian]
6. Moqdadi MM. The Position and Effect of Expediency in Child Guardianship from the Point of View of Jurisprudence and Law. *Women's Strategic Studies Quarterly*. 2018; 14(54): 175-196. [Persian]
7. Ameli ZD. Masalak al-Afham. Qom: Ismailian; 2002. p.140. [Arabic]
8. Qari Seyed Fatemi SM. Human Rights in the Contemporary World. Tehran: Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research; 2010. p.49. [Persian]
9. Moradi K, Amiri M. The Effects of the Violation of a Coercive Guardian from the Point of View of Jurists of Islamic Schools of Law and Iranian Law. *Fiqh Maqarn Bi-quarterly*. 2015; 5(9): 41-76. [Persian]
10. Parsapour MB, Nourbakhsh S. Criteria for Assessing the Best Interest of the Child in Imami Jurisprudence, Iranian Law and the Convention on the Rights of the Child. *Comparative Research Quarterly of Islam and the West*. 2014; 2(3): 1-28. [Persian]
11. Behmand Firouz M, Jafari F. Legal Consequences of Refusing Treatment. *Ibn Sina's Interdisciplinary Journal of Religion and Health*. 2024; 1(2): 19-29. [Persian]
12. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. Beirut: Dar al-Hayya al-Tarath al-Arabi; 1984. p.91. [Arabic]
13. Melaekpour Shushtri SMH, Ofgah A. The Effect of Mother's Insanity and Marriage on Child Custody in Iranian Law with a Comparative Study in American Law. *Comparative Quarterly of Islamic and Western Law*. 2017; 5(3): 145-175. [Persian]
14. Mohagheq Damad SM. Jurisprudence Rules: Civil Department. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center; 2013. p.29. [Persian]
15. Momen Qomi M. Sided Words in Masayl al-Jadidah. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute; 2000. p.163. [Arabic]
16. Mousavi Khomeini SR. Baya. Qom: Ismailian Press Institute; 1985. p.41. [Arabic]
17. Yazdani YA, Zahidian MH. Differentiated Criminal Policy for Delinquency and Victimization of Children in Iran's Legal System. Shiraz: International Conference of Shiraz University; 2016. [Persian]
18. Katouzian N. Civil Law in the Current Legal System. Tehran: Mizan Publications; 2009. p.87. [Persian]
19. Emami Z, Naghdi Durbati. Responsibility of Custodians in the Iranian Legal System. *Quarterly Journal of Legal Studies*. 2018; 1(22): 61-90. [Persian]
20. Haji Ketabi M. Custody from the Perspective of Civil Law and Imamiyyah Jurisprudence. Master's Thesis. Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 1999. [Persian]
21. Mohaghegh Hali ANJ. Islamic Laws in Halal and Haram Issues. Qom: Ismailian Publishing House; 1407. p.567. [Arabic]
22. Dankoub A, Pahlavani A. Legal Review of Coercive Guardianship in Iran's Civil Law. *National Conference of New Thoughts in Accounting*. 2017; 1(1): 1-13. [Persian]
23. Zaafari Z, Panjapour J. The Role of Forensic Doctors in the Criminal Procedure Based on the Criminal Procedure Law Approved in 2015. *Iranian Journal of Forensic Medicine*. 2015; 22(4): 315-324. [Persian]
24. Mohagheq Damad SM. Medical Jurisprudence. Tehran: Legal Publications; 2009. p.23. [Persian]
25. Madani J. Criminal Procedure Code. Tehran: Nash-e Padayar Publications; 2007. p.322. [Persian]